

آفتاب آمد دلیل آفتاب



بدینوسیله می خواهم دین بزرگی که قهرمان اسطوره ای افغانستان شهید
عبدالمجید کلکانی، بر فرد راهیان راه آزادی دارد، عکس العمل خود را به
عده بی از پورتالیان پوشالی افغان - جرمن اعلام بدارم.
پورتالیانی که دندانهای خزفی و درباری شان در زیر پا های حوادث شاریده است، با
نگارش یک جمله نه تنها اشتباه بزرگ سیاسی را بر شانه های غلطیده شان غلطاندند که
آبروی ذلیل شاهانه خود را در پیشگاه مطبوعات، نیز ریختند.
معذرت خواهی مسخره و فریبنده شان بمثابة تف سربالا به فرقهای شان نشسته است که ما
رهروان راه آزادی و عدالت، تمنا داریم که مرتکبین اصلی این اشتباه، در میدان درآمده و
مسئولیت اراجیف شانرا بگیرند و خود را در زیر عبارت " یاداشت اداره " نشرمانند . از
معذرتخواهی پورتالیان بر می آید که عاملین اصلی هنوز در تنور گناه خود میسوزند و
جرات معذرتخواهی علنی را از ترس از دست داده اند.

من اینجا قصد ندارم که روی ابعاد چند لایه شخصیت شهید عبدالمجید کلکانی، این فرزند
نامدار و شناخته شده جنبش ملی و مترقی کشور صحبت نمایم، ولی باور دارم که بحث
درباره مجید، بقول حافظ اکنون از پرده راز برون افتاده است و انعکاس مجید نه تنها در
ادبیات افغانستان که در قلب های مردم مطرح شده است. مجید آفتابی ست که حضور
حماسی و صمیمانه اش به استدلال ضرورت ندارد :
آفتاب آمد دلیل آفتاب

ولی اعتراض من که صدای برحق وجدان آگاه مردم ماست، این است که چرا زاغچه های
پیر، عمق نیات پلیده خود را بنام (اداره)، زیر برف کرده اند، این شیوه از خود مکتبی
دارد، آدمهای جبون، بی مسلک، دو رنگ و چند رنگ بدون داشتن ثبات عقلی، با خاطر
پژمرده و پریشان همیشه به چیز هایی متصل میشوند که به حال زار شان تطابق داشته
باشد. جرثومه های پرنسیپ شان بر شالوده مکتب چپاول و دستبُرد، چریده و میچرد .

به لحاظ روانشناسی، این انعکاس تاریخاً زیست شده یک پدیده است که خود را در زمان، حال ابدیت می کند، پورتالیان دربار گریخته به خود حق می دهند که مقاله شخص دیگری را به آسانی مورد دستبرد قرار بدهند. (عملی که در تاریخ مطبوعات یا هیچ یا نادر خواهد بود). نوشته دیگران را مال خود دانسته و در یک دقیقه آنرا به کجراه و بیراهه سوق میدهند.

افغانها ننگ میدانند که بدون اجازه به خانه ای داخل شوند و این عالی جنابان در واقع در حریم خانه یک متن تجاوز کرده اند، انسانیت و ژورنالیسم وقتی در خویش میسرمد که از آدمهایی خفته در جابلسای چاکری، خبر نگاری سریزند. قامت شهیدان این خطه سیه بخت، چنان بلند و جلیل است که آدمک های پشت ویتترین پورتال افغان- جرمن، نمی توانند برای مقابله ی ناروا با آنان قد بلندک فرمایند. خوابست و خیالست و محالست و جنون

چشمان مردم دگر باز شده و " سایه سنگین دربار " از فهم خلق الله، بیرون ریخته است دگر مردم به بلندی نام تان نمی نگرند بل به نقش پا های برباد دهنده تان که با خون شهدا رنگین است نگاه میکنند. دگر تریاک دربار نمی تواند این ملت را به خوابهای نیم قرنه و تباه کن فرا بخواند. جای واقعی شما در زباله دان تاریخ های گم شده سرگردان اطراق کردن است، آقایون؟ باوجود آنکه قلبی که ندارید شهادت میزنند: آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت

حرف من با این ناجوانمرد که به گفته شاعر (کارو) در کمال احساس مردی خود نامرد است، نقطه پایان مانده را ماند، و اما سخن من با متصدیان شریف افغان - جرمن و نویسندگان این صفحه باقی مانده است:

1) معذرتی را که شما متصدیان از نام اداره ی افغان - جرمن نوشته اید، بنا بر دلایل متعددی از لحاظ منطق سیاسی و ادبی به معذرت خواهی صمیمانه و راستین شباهت ندارد!

یا شما تعین سرنوشت نمایید و یا همه نگارندگان همکار مانند محترم سید عیسی عثمان این نویسنده دلیر و با پاس، با پورتالیان تعین تکلیف خواهند کرد. متصدیان ناگزیرند که پاسخ بدهند که:

- " پورتالی " که برنامه نشراتی خود را دفاع از آرمانهای ملی و شخصیت های ملی قلمداد می کند، چگونه یکی و یکبار به شخصیت های نامدار ملی میتازد و بدترین اتهامات را به ایشان می چسپاند؟

- پرنسیپ و آیین نشراتی پورتال چرا تا این حد سقوط کرده است؟

- چطور و چه کسی توانست در متن نوشته محترم معصوم مشایع دستبرد بزند و چه صلاحیت هایی در وب سایت دارد؟ چه معامله ای با این شخص صورت گرفته؟

- معذرت نویسان هر چه عاجل نام کس یا کسانی را که درین ماجرا دست داشته اند، افشا و به جامعه مطبوعات معرفی بدارند!

2) متصدیان باید به یک معذرتخواهی رندانه اکتفا نکنند اگر واقعاً معذرتی در کار باشد، باید موقف خود را در قبال شخصیت شناخته شده شهید آزادی کشور عبدالمجید کلکانی که با شعار "یا مرگ یا آزادی" به جنگ روس اشغالگر رفت و در زندان روسها، وفادارانه و سربلند، به جاودانگی پیوست، روشن بسازند.

در چنین زمانی که مستنطق شهید مجید (اسماعیل پولاد)، سکوت را می شکند و به قهرمانی وی شهادت میدهد، متصدیان نیز ملزم هستند که موقف خود را اعلان بدارند، در غیر آن این معذرتخواهی دم بریده ابهامی بر ابهام تلقی خواهد شد. همکاران و خوانندگان چشم براه پاسخ های زلالین شما خواهند بود.

نگارندگان و همکاران افغان - جرمن :

بزرگوار انجنیر صاحب معروفی، محترم سید حسین موسوی، محترم کبیرتوخی، محترمه نسرین معروفی، محترم حمید انوری، محترم استاد نسیم رهرو، گرامی داکتر حنان روستایی، محترم محمد شاه فرهود، داکتر صاحب عبدالرحیم عزیز، محترم فاروق فارانی ... من همیشه چشمان ذهنم را از لابلای متن های شما صیقل میزدم و نوشته های ارجمند شما برای من انگیزانندگی میکرد. نشود که در همکاری با همچو وبسایتی، آن غضبی که بر یادداشت نویسان جاریست با قطع نکردن رابطه، بر انگشتان گهر آفرین شما نیز ساری گردد؟

شرط مردی نیست با یکدل دو سر داشتن
یا زجانان یا زجان باید که دلبر داشتن